



سخنان راهبردی رهبر انقلاب در سالروز رحلت امام^(ه) را در چه چهارچوبی فهم کنیم؟

غنی‌سازی کلید استقلال

استقلال کلید توسعهٔ ملی

استقلال ملی، به‌عنوان یکی از ارزش‌های بنیادین انقلاب اسلامی، مفهومی است که در تمامی ابعاد سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی ایران ریشه دوانده است. این مفهوم، که به معنای آزادی یک ملت در تصمیم‌گیری برای سرنوشت خود بدون وابستگی به قدرت‌های خارجی است، در حوزه‌هایی مانند برنامه‌هسته‌ای ایران و به‌ویژه غنی‌سازی اورانیوم، نمود ویژه‌تری پیدا کرده است. غنی‌سازی به دلیل کاربردهای گسترده‌اش در حوزه‌های پزشکی، کشاورزی، محیط زیست و هوافضا نمادی از خودکفایی علمی و فناوری کشور از اهمیت استراتژیک برخوردار است. رهبر انقلاب نیز با توجه به همین دلایل غنی‌سازی را یک «صنعت مادر» توصیف کردند. لذا مذاکرات هسته‌ای نیز باید با توجه به این نقش کلیدی در چهارچوب خط فرمز ایران از جمله در مورد به رسمیت شناخته شدن حق غنی‌سازی و رد هرگونه ایده تحمیلی ضد منافع ملی از جانب طرف غربی پیش برود.

مسئله غنی‌سازی به خودمان مربوط است

استقلال ملی به معنای توانایی یک ملت برای تصمیم‌گیری مستقل در امور خود، بدون تأثیرپذیری از فشارها یا اراده قدرت‌های خارجی است. این مفهوم، که ریشه در آرمان‌های انقلاب اسلامی دارد، به‌ویژه در برابر تلاش‌های قدرت‌های بزرگ برای تحمیل خواسته‌هایشان بر ملت‌ها، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. استقلال ملی نه‌تنها به معنای خودکفایی سیاسی و اقتصادی است، بلکه شامل خودباوری علمی و فناوری نیز می‌شود. این خودباوری، در حوزه‌هایی مانند برنامه هسته‌ای، به ملت ایران امکان‌داده تا در برابر چالش‌های جهانی ایستادگی کند و مسیر پیشرفت خود را ترسیم نماید. در این چهارچوب، غنی‌سازی اورانیوم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای علمی ایران، نمادی از استقلال ملی است. این فناوری، که نیازمند دانش پیشرفته و زیرساخت‌های پیچیده است، نشان‌دهنده توانایی ایران در رقابت با کشورهای پیشرفته جهان است. استقلال ملی در این زمینه به این معناست که ایران خود تصمیم می‌گیرد که آیا غنی‌سازی را ادامه دهد یا در شرایطی خاص آن را متوقف کند، و این تصمیم صرفاً به اراده داخلی بستگی دارد، نه به تحمیل خارجی. رهبر انقلاب در مراسم سالگرد ارتحال امام این مفهوم را این گونه معنی کردند: «معنای «استقلال» این است، منتظر چراغ‌سبز آمریکا و امثال آمریکا نباشد؛ نگران چراغ‌فرمز آمریکا و امثال آمریکا نباشید؛ تشخیص با خود ملت ایران، تصمیم‌گیری با خود ملت ایران و اقدام در هر جایی که لازم باشد با خود ملت ایران است؛ دیگران، قدرت‌ها، آمریکا، دیگری، موافق باشند یا مخالف باشند اهمیت ندارد.»

کلید توسعه فناوری

غنی‌سازی اورانیوم، به‌عنوان قلب صنعت هسته‌ای، یکی از پیچیده‌ترین و پیشرفته‌ترین فناوری‌های جهان است. این فناوری، که ایران به برکت تلاش دانشمندان و جوانان خود به آن دست یافته، نه‌تنها برای تولید سوخت هسته‌ای، بلکه برای توسعه علمی در حوزه‌های مختلف کاربرد دارد. صنعت هسته‌ای، تأثیرات گسترده‌ای بر حوزه‌های پزشکی، کشاورزی، محیط زیست، هوافضا و الکترونیک دارد. در پزشکی، فناوری هسته‌ای در تولید رادیوداروها نقش کلیدی ایفا می‌کند. این رادیوداروها در تشخیص و درمان بیماری‌های سخت، مانند سرطان، استفاده می‌شوند و به بهبود کیفیت زندگی بیماران کمک می‌کنند. در کشاورزی، فناوری هسته‌ای به افزایش مقاومت محصولات در برابر آفات و بهبود کیفیت آن‌ها منجر شده است. در حوزه محیط زیست، این فناوری در پایش منابع طبیعی و کاهش آلودگی‌ها کاربرد دارد. همچنین، در هوافضا و الکترونیک، حسگرهای دقیق و تجهیزات پیشرفته‌ای که از فناوری هسته‌ای بهره می‌برند، به توسعه زیرساخت‌های صنعتی کشور کمک کرده‌اند. این کاربردهای گسترده نشان می‌دهد که غنی‌سازی اورانیوم صرفاً برای تولید انرژی نیست، بلکه به‌عنوان یک فناوری استراتژیک،

دربارهٔ جدیدترین گاف سخنگوی دولت

سرکار خانم! مگه مسابقهٔ فوتباله؟

اعلام یک دقیقه سکوت در نشست خبری سخنگوی دولت به احترام شهدای غزه، شاید در نگاه اول همدلی و واکنش سیاسی شیکی به نظرو برسد اما درواقع امر، ربطی به فرهنگ ایرانی و اسلامی ندارد و برای سخنگوی دولت جمهوری اسلامی ایران زیادی فانتزی لوکسی محسوب می‌شود. فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت ایران است و انتظار زیادی نیست که بخواهیم مطابق فرهنگ ایرانی رفتار کند که هیچ، حتی به عنوان عضوی از دولت، نمادی فرهنگ ایرانی باشد و اگر کسی در مسیر تضعیف فرهنگی اقدام کرد، او منتقد و البته اصلاح‌کننده مسیر باشد، نه آنکه مصداق «گندیدن نمک» شود. از سویی دیگر آیا همدلی دولت ایران با مردم غزه همچون همدلی ورزشکاران با حوادث غم‌انگیز باید در «یک دقیقه سکوت» تجلی یابد؟ ورزشکاران برای اقدامات عملی در حوادث و مرگ‌ها و امثال آن‌ها وظیفه‌ای جز همدلی ندارند و طبیعی است که صرف یک اقدام همدلانه رسانه‌ای برای آن‌ها اعلام موضع باشد و کسی انتظار بیشتر نداشته باشد، اما دولت چطور؟ آیا دولت کشوری که بزرگ‌ترین دشمن علیه رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود، بروز همدلی‌اش با مردم غزه باید یک اقدام فانتزی همدلانه صرف باشد؟ هفته گذشته و زمانی که فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در ابتدای نشست خبری خود با اهالی رسانه، یک دقیقه سکوت به احترام شهدای غزه اعلام کرد، اغلب خبرگزاری‌ها اقدام او را با مضمون احترام به مردم غزه منتشر کردند، بی‌آنکه بپرسند آیا در شأن یک دولت است که اعلام موضعش اینگونه صورت بگیرد؟ یعنی کار دیگری از دست دولت برنمی‌آید و همچون ورزشکاران، دست و پا بسته و بی‌اختیار در این حوزه است؟! از سویی، بر فرض که دولت جز ابراز همدلی نمی‌تواند کاری کند، آیا این ابراز



جایگاه مشابهی دارد. حفظ و توسعه این فناوری، نه‌تنها به معنای تأمین نیازهای داخلی، بلکه الزامی برای حفظ جایگاه ایران در میان کشورهای روی ریل توسعه در جهان است.

کمک استقلال ملی به دیپلماسی

مذاکرات هسته‌ای ایران با قدرت‌های جهانی، یکی از مهم‌ترین عرصه‌های حفظ استقلال ملی است. ایران در این مذاکرات، همواره بر حق خود برای توسعه فناوری هسته‌ای، به‌ویژه غنی‌سازی، تأکید کرده است. این موضع، ریشه در اصل استقلال ملی دارد که تصمیم‌گیری در مورد برنامه هسته‌ای را صرفاً در حیطه اراده داخلی می‌داند. اخیراً، برخی پیشنهادها از سوی آمریکا، مطرح شده که به دنبال محدود کردن توانایی ایران در غنی‌سازی و وابسته کردن کشور به منابع خارجی بوده و در تضاد با اصل خودکفایی و استقلال علمی ایران هستند. رد این پیشنهادها توسط ایران به معنای توقف مذاکرات نیست، بلکه نشان‌دهنده پابندی به خطوط قرمز ملی، از جمله حفظ توانایی غنی‌سازی و رفع تحریم‌هاست. رهبر انقلاب نیز در همین راستا ضمن تأکید بر اینکه پیشنهاد طرف آمریکایی «صددرصد ضد ما می‌توانم» است همچنان مسیر مذاکره را به صورت مطلق نفی نکردند تا به این طریق دست تیم مذاکره‌کننده ایرانی را برای پیشبرد مذاکرات با حفظ منافع ملی تقویت کنند. بیانات رهبر انقلاب را می‌توان پاسخ قاطعی به تهدیدهای مکرر مقامات آمریکا توصیف کرد که تأکید می‌کردند ایران باید پیشنهاد آمریکا را قبول کند.

اگر می‌توانستند

پیچ و مهره هسته‌ای را باز می‌کردند

یکی از اصول کلیدی در حفظ استقلال ملی، مقاومت در برابر فشارها و تحمیل‌های خارجی است. قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه آمریکا، در دهه‌های گذشته بارها تلاش کرده‌اند تا با اعمال تحریم‌ها و فشارهای سیاسی، ایران را از ادامه برنامه هسته‌ای خود بازدارند. اما این تلاش‌ها، نه‌تنها نتیجه‌ای نداشته، بلکه انگیزه‌ای برای خودکفایی و توسعه فناوری رقابت‌کننده داخلی بوده است. به‌عنوان مثال، هنگامی که ایران در دهه ۸۰ برای تأمین سوخت ۲۰ درصد مورد نیاز خود با امتناع قدرت‌های غربی مواجه شد، دانشمندان ایرانی این سوخت را در داخل تولید کردند. استقامت، به معنای پیگیری مستمر اهداف ملی و رها نکردن مسیر پیشرفت، یکی دیگر از اصول کلیدی در حفظ استقلال ملی است. در زمینه غنی‌سازی، استقامت به معنای ادامه تلاش‌های علمی و فناوری، حتی در برابر تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی است. این استقامت، نه‌تنها به حفظ

دستاوردهای هسته‌ای ایران کمک کرده، بلکه به تقویت هویت ملی و اعتماد به نفس جوانان ایرانی منجر شده است. ایران در سال‌های گذشته، با وجود تحریم‌های شدید، توانسته دستاوردهای قابل توجهی در حوزه هسته‌ای و سایر فناوری‌های پیشرفته، مانند پرتاب ماهواره به فضا، کسب کند. این موفقیت‌ها نشان‌دهنده آن است که استقامت در برابر فشارها، می‌تواند به پیشرفت‌های بزرگ منجر شود. همین استقامت نیز باعث شده تا طرف آمریکایی علی‌رغم میل باطنی‌اش به مذاکره با ایران تن دهد. رهبر انقلاب در این باره به اظهارات باراک اوباما، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا اشاره کردند که گفته بود اگر می‌توانست، «پیچ و مهره صنعت هسته‌ای ایران» را باز می‌کرد. رهبر انقلاب به این ادعاها اینگونه واکنش نشان دادند: «از آن روز، پیچ و مهره‌های صنعت هسته‌ای ما بسیار محکم‌تر هم شده. او البته اقرار کرد که نمی‌تواند پیچ و مهره‌ها را باز کند؛ گفت نمی‌توانم، اگر می‌توانستم می‌کردم. این‌هایی هم که امروز سر کارند -صهیونی و آمریکایی- این‌ها هم بدانند که در این مورد، هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند.»

دام تقلیل نمای اثر غنی‌سازی

آگاه‌سازی عمومی در مورد اهمیت غنی‌سازی و نقش آن در استقلال ملی، یکی از ضرورت‌های حفظ این دستاوردها است. تبیین، به معنای توضیح مسائل پیچیده با زبانی ساده و منطقی برای مردم، می‌تواند حمایت عمومی از برنامه هسته‌ای را تقویت کند. این امر، به‌ویژه در برابر تبلیغات منفی برخی رسانه‌های خارجی که تلاش می‌کنند صرفاً با تأکید بر نقش فناوری هسته‌ای در تولید انرژی و پیوند دادن آن با منابع عظیم انرژی‌های فسیلی برنامه هسته‌ای ایران را غیرموجه جلوه دهند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تبیین اهمیت غنی‌سازی باید بر کاربردهای گسترده آن، از پزشکی و کشاورزی گرفته تا توسعه علمی و صنعتی، تمرکز کند. برخی ممکن است متأثر از تحریف‌های طرف غربی استدلال کنند که هزینه‌های برنامه هسته‌ای ایران، از جمله تحریم‌ها و قطعنامه‌های بین‌المللی، در مقایسه با کاربردهای آن ارزش ندارد. اما این دیدگاه، اهمیت استراتژیک غنی‌سازی را نادیده می‌گیرد. رهبر انقلاب روز چهارشنبه در مراسم ارتحال امام خمینی(ره) به تقلیل جایگاه صنعت هسته‌ای اینگونه واکنش نشان می‌دهند: «بعضی خیال می‌کنند صنعت هسته‌ای فقط برای انرژی پاک و ارزان است -که البته همین جور هم هست- و این ناشی از صنعت هسته‌ای است، لکن فقط این نیست؛ این یک جزئی از فواید صنعت هسته‌ای است. صنعت هسته‌ای یک صنعت مادر است، یک صنعت مادر.» غنی‌سازی به‌عنوان کلید رانندازی صنعت هسته‌ای که غربی‌ها دست روی آن گذاشته تا ایران را از همه آورده‌های صنعت هسته‌ای محروم کند آورده‌های بلندمدتی دارد که بسیار فراتر از هزینه‌های آن است. غنی‌سازی اورانیوم، به‌عنوان یکی از پیشرفته‌ترین فناوری‌های جهان، می‌تواند راه را برای پیشرفت‌های بیشتر در سایر حوزه‌های علمی و فناوری هموار کند. همان‌طور که هوش مصنوعی در حال تبدیل شدن به یکی از مهم‌ترین فناوری‌های قرن بیست‌ویکم است، غنی‌سازی نیز جایگاه مشابهی در حوزه انرژی و علوم مرتبط دارد. علاوه براین تربیت هزاران دانشمند جوان، تقویت زیرساخت‌های علمی، و ارتقاء جایگاه ایران در میان کشورهای پیشرفته لزوم حفظ چنین فناوری را بیشتر می‌کند. سر مایه‌گذاری در این فناوری، نه‌تنها به توسعه علمی کشور کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به تقویت اقتصاد دانش‌بنیان و ایجاد فرصت‌های شغلی برای جوانان منجر شود. علاوه بر این، حفظ توانایی غنی‌سازی، پیام روشنی به جامعه جهانی ارسال می‌کند مبنی براینکه ایران کشوری است که علی‌رغم فشارهای اقتصادی، امنیتی و رسانه‌ای قادر به تصمیم‌گیری مستقل و رقابت در بالاترین سطوح علمی و فناوری است. حفظ توانایی غنی‌سازی، ایران را از وابستگی به قدرت‌های خارجی برای تأمین نیازهای خود بی‌نیاز کرده و این امر، ارزشی غیرقابل انکار در راستای استقلال ملی دارد.



شود و تیتز رسانه‌ها را از آن خود کند؟ آیا وظیفه سخنگوی دولت گسترش هنر موسیقی است؟ یک رسانه نوشت: «خانم سخنگو در اقدامی عجیب و شاید جالب با اسپیکر، ترانه «ایران من» همایون شجریان را برای خبرنگاران پلی کرد و با آن گریست.»

حاشیه‌سازی با مکران

روزی سخنگوی دولت از تصمیم دولت برای تغییر پایتخت از تهران به مکران گفت. با توجه به جایگاه او که بیان مواضع و تبیین اقدام‌ها و تصمیم‌های دولت است، بلافاصله این سخن او همه جا پیر شد، درحالی‌که در واقعیت خبری از چنین تصمیمی نبود شاید فقط حرفی در حد همان حرف و نه بیشتر، رد و بدل شده بود. او ابتدا اعلام کرد «پایتخت جدید قطعاً در جنوب و منطقه مکران است که این موضوع در حال کار است.» اما وقتی با موج فراگیری خبر در رسانه‌ها مواجه شد، گفت من چنین حرفی نزدم و گفتم موضوع انتقال پایتخت در حال بررسی است.

گرمای پرحاشیه

فاطمه مهاجرانی که بارها از لزوم صرفه‌جویی در مصرف انرژی گفته بود، در سفر به استان گیلان گفت گرم‌شده و اینجا نمی‌توانم صحبت کنم! درحالی‌که فقط چند دقیقه زیر آفتاب ایستاده بود، در شرایطی که مردم با قطعی برق متعدد مواجه‌اند و باید گرمای هوا و دیگر مشکلات نداشتن برق را تحمل کنند. از سویی سفر او به گیلان هم که با تشریفات بسیار و استقبال رسمی همراه بود، با انتقادات بسیاری مواجه شد که چگونه سخنگوی دولت در اینجا فکر صرفه‌جویی نیست.

موسیقی حاشیه

پخش موسیقی در نشست خبری سخنگوی دولت از آن اتفاقاتی بود که کمتر کسی آن را نقد کرد. چه آنکه یقیناً مَهم‌هم به‌ضدیت با هنر می‌شد و چون مضمون موسیقی مورد پخش هم در مورد ایران بود، برجسب زندایرانی بودن را هم بر پیشانی‌اش می‌زدند یا آن موسیقی دیگر چون صدای شجریان بود، می‌گفتند مجادله سیاسی می‌کنید، اما آیا نشست خبری سخنگوی دولت جای پخش موسیقی است که تازه سخنگوی دولت هم با آن آشکی